**انترناسیونال ۶۱۹**

**دولت ترکیه از حملات اخیر خود چه اهدافی را دنبال می کند؟**

**مصاحبه با محمد آسنگران**

**انترناسیونال: در هفته گذشته شاهد رخدادهای زیادی در ترکیه بوده ایم که در بیانیه کمیته کردستان حزب به آنها اشاره شده است. نیروهای داعش در دو سه سال اخیر از حمایت های مستقیم و غیر مستقیم دولت ترکیه برخوردار بوده است، اما در چند روز گذشته ورق برگشته و  این نیروها مورد حمله ارتش ترکیه قرار گرفته اند. چرا چنین اتفاقی افتاد؟**

محمد آسنگران: ترکیه علیرغم اینکه به ظاهر یکی از اعضای ائتلاف دولتهای علیه داعش بود، اما تا یک هفته قبل به جای مقابله با داعش عملا از داعش حمایت میکرد. حتی به آمریکا اجازه استفاده از پایگاههای هوایی خود را نداد. همچنانکه شما هم گفتید اخیرا ورق برگشته است و ارتش ترکیه در مناطق محدودی در مرز سوریه و ترکیه مواضع داعش را بمباران کرده است. به آمریکا اجازه داده است که از پایگاه هوایی اینجرلیک برای پرواز هواپیماهای جنگی استفاده کند. آمریکا هم توافق کرده است که ترکیه در مرز خود با سوریه منطقه "امن" ایجاد کند. این یک معامله و بده بستان است که آمریکا و ترکیه به آن دست زده اند.

اولا این اقدام هنوز به معنای مقابله جدی با داعش نیست. دوما هدف ترکیه اساسا این است که به جای داعش ترجیحا نیروهای نظامی خود را در این مناطق مرزی در خاک سوریه مستقر کند. در عین حال امکان اینکه نیروهای نزدیک به خود در سوریه را در این منطقه مستقر کند را باز گذاشته است. مقامات دولت ترکیه اعلام کرده اند حمله به داعش به این منظور صورت گرفته است که منطقه "امن" در این مرز ایجاد کنند.

اما سیاست و استراتژی دولت ترکیه و توافقاتش با آمریکا در این اقدام فراتر از آن چیزی است که رسما اعلام شده است. این اقدام اساسا به منظور محدود کردن نیروهای مسلح ضد داعش در کردستان سوریه صورت گرفته است. زیرا پاکسازی کل مناطق مرزی ترکیه و سوریه از داعش بوسیله نیروهای ضد داعش در کردستان سوریه با همکاری نیروهای ائتلاف جدی بود. ترکیه از همین نگران بود که فاصله کوبانی و عفرین هم مانند کوبانی و جزیره داعش شکست بخورد و کل خط مرزی دو کشورتحت تسلط نیروی احزاب کردستان سوریه قرار گیرد. بنابر این اقدام نظامی دولت ترکیه علیه داعش اقدامی پیشگیرانه بود که به بهانه ایجاد منطقه "امن" صورت گرفته است. منطقه امن از نظر دولت ترکیه به این معنا است که ارتش ترکیه بر خطوط مرزی ترکیه و سوریه تسلط داشته باشد. طبق طرح اعلام شده ترکیه تا عمق چهل کیلومتری خاک سوریه قرار است منطقه امن اعلام بشود و پناهندگان سوری در این مناطق اسکان داده شوند. اگر این طرح اجرا بشود کوبانی و قامیشلو و عفرین و تمام شهرهای و روستاهای مرزی در شمال سوریه تا عمق چهل کیلومتری خاک سوریه تحت تسلط ارتش ترکیه قرار میگیرد.

بنابر این طرح اعلام شده آک پارتی به رهبری اردوغان جنگ با داعش برای شکست این نیروی تروریست اسلامی نیست. بلکه اشغال شمال سوریه و محدود کردن نیروهای مسلح ضد داعش در این منطقه است. داعش اکنون از نظر ترکیه دوست نالایقی است که نتوانسته اهداف مورد نظر ترکیه را با تسلط بر مرزهای ترکیه و سوریه اجرا کند. اکنون خود ارتش ترکیه اقدام به این کار کرده است و دوست نالایق خود را دارد تنبیه میکند.

**انترناسیونال: ارتش ترکیه همزمان با حمله به داعش، پایگاههای پ ک ک را هم مورد تهاجم قرار داد و در داخل ترکیه نیروهای امنیتی تهاجم گسترده ای را به افراد پ.ک.ک. و داعش و آزادیخواهان و نیروهای چپ آغاز کرده است، با توجه به اینکه حملات به داعش پس از یکی دو روز تقریبا متوقف شده است، آیا این بهانه ای تهاجم به نیروهای کرد و همچنین سرکوب نیروهای چپ و آزادیخواه نبود؟**

محمد آسنگران: بهانه دولت ترکیه و نیروهای امنیتی این است که اعلام کرده اند با تروریسم مقابله میکنند. داعش و پ.ک.ک و نیروهای چپ مخالف دولت را در کنار هم قرار داده و همه آنها را تروریست نامیده و گفته میشود بیش از هزار نفر را بازداشت و تحت عنوان مقابله با تروریسم دستگیر شده اند. حمله به داعش متوقف بشود یا نشود در ماهیت این سیاست تغییری ایجاد نمیکند. زیرا دولت ترکیه از همسایگی داعش نگران نبود. مقامات دولت ترکیه و اردوغان هنگامی اعلام نگرانی از مرزهای خود کردند که داعش در فاصله کوبانی و جزیره شکست خورد و شهر تل ابیض به دست نیروهای مسلح کردستان سوریه افتاد. ترکیه اینرا میداند که حزب اتحاد دمکراتیک کردستان سوریه و نیروهای مسلحش خود را نزدیک به پ.ک.ک و اوجلان را رهبر خود میدانند.

این تحولات هنگامی نگرانی عمیق اردوغان و دولت آک پارتی را به دنبال داشت که در انتخابات پارلمانی ترکیه آک پارتی شکست خورد و نتوانست به تنهایی دولت تشکیل بدهد. حزب ها.د. پ در ترکیه که حزبی نزدیک به پ.ک.ک است هشتاد کرسی از کرسیهای پارلمان ترکیه را به دست آورد. این تغییر رویکرد اخیر ترکیه قرار است هم شکست آک پارتی در انتخابات را جبران کند، هم نقش تضعیف شده اردوغان که ادعای زنده کردن سنت سلطانهای عثمانی را در سر دارد در منطقه تقویت نماید. چند روز بعد از آغاز حمله به پ.ک.ک و دستگیریهای وسیع در شهرهای ترکیه اردوغان رسما اعلام کرد که رهبران حزب ها.د.پ. نباید مصونیت پارلمانی داشته باشند و همه اعضا این حزب که اکنون عضو پارلمان هستند باید از پارلمان اخراج بشوند. این اقدامی در این جهت است که دولت موقت آک پارتی و نیروهای امنیتی ترکیه بتوانند آنها را دستگیر و به محاکمه بکشند. اما مقامات پایین تر آک پارتی گفته اند باید حزب ها. د.پ. ممنوع الفعالیت شود و بعد وارد پروسه تجدید انتخابات بشوند. زیرا بعد از نتایج انتخابات اخیر در ترکیه آک پارتی نخواسته دولت ائتلافی با هیچ حزب دیگری تشکیل بدهد. اکنون قرار است مجددا انتخابات بشود. همه این اقدامات قرار است به این هدف آک پارتی کمک کند که در انتخابات بعدی اکثریت مطلق کرسی های پارلمان را ازآن خود بکند تا بتواند به تنهایی دولت تشکیل بدهد.

**انترناسیونال: در روزهای اخیر در ترکیه تظاهرات و اعتراضات وسیعی بوقوع پیوسته است. پس از حمله وحشیانه داعش به نشست جوانان در شهر سوروچ مردم انگشت اتهام را بطرف دولت ترکیه گرفتند و پس از یورش دولت ترکیه و دستگیریهای وسیع هم اعتراضات وسیعی از طرف مردم انجام شده است. شما تاثیرات این اعتراضات را چگونه می بینید؟**

محمد آسنگران: طبعا اعتراضات مردم در ترکیه به این دو مورد خلاصه نمیشود. ریشه و ابعاد نارضایتی مردم بسیار فراتر از این است. قبل از این اتفاقات یکی از نتایج این نارضایتیها این بود که در انتخابات اخیر ترکیه مردم به حاکمیت تک حزبی و عنان گسیخته اردوغان و حزب اش پایان دادند. اکنون حزب اردوغان نمیخواهد این شکست را بپذیرد و جنگ با پ.ک.ک را آغاز کرده است که در فضای جنگی هم ناراضیان شناخته شده را دستگیر و به محاکمه بکشد هم تعدادی از سمپاتهای داعش را دستگیر کرده است که همه دستگیر شدگان را تحت عنوان تروریست و یا حامی نیروهای تروریست به محاکمه بکشد. معنی داخلی این مجموعه اقدامات دولت ترکیه این است که جامعه را ساکت و مرعوب کند تا با خیال راحت تری وارد پروسه تجدید انتخابات بشود. اما بدون شک این ترفندها سیر رو به افول موقعیت آک.پ. و اردوغان را متوقف نخواهد کرد.

**انترناسیونال: ناتو و دولتهای غربی از حملات اخیر ترکیه به داعش و پ ک ک حمایت کردند و عملا سرکوب نیروهای چپ و آزادیخواه را هم مورد تائید قرار دادند. جمهوری اسلامی هم این را تحولی مثبت در سیاست ترکیه دانسته است. با توجه به اوضاع داخلی ترکیه و نامشخص بودن وضعیت قدرت سیاسی در این کشور آیا این به معنای حمایت ناتو و رضایت جمهوری اسلامی از باقی ماندن اردوغان در قدرت است؟**

محمد آسنگران: جمهوری اسلامی فعلا و بعد از توافق هسته ای تلاش میکند مثل قبل در مقابل سیاستهای آمریکا قرار نگیرد. این تحول اخیر در ترکیه هم چون با توافق آمریکا بوده و جمهوری اسلامی فکر میکند میتواند در جهت تضعیف داعش و تقویت اسد باشد آنرا مثبت ارزیابی کرده است. علاوه بر این جمهوری اسلامی همیشه یک حکومت اسلامی از نوع آک پارتی را به حکومتی سکولار در ترکیه ترجیح داده است. اما ناتو و کشورهای غربی روابط و قرار و مدارهای استراتژیکی با ترکیه دارند و ترکیه عضوی از ناتو است و همیشه دولتهای ترکیه با هر سیاستی که داشته اند مورد حمایت آنها بوده است. دول غرب تلاش میکنند رویکرد اردوغان و بلندپروازیهایش را با دادن امتیازاتی به او به نفع هضم شدن در سیاستهای منطقه ای خود تشویق کنند.

**انترناسیونال: فرمانده نیروهای ناتو در مورد حمله هوایی ترکیه به پایگاههای پ ک ک در خاک عراق علیرغم حمایت از ترکیه خواستار متوقف نشدن روند مذاکره دولت ترکیه با پ.ک.ک شده است. آیا این را می توان فقط یک ژست دیپلماتیک ارزیابی کرد؟**

محمد آسنگران: توصیه ناتو و آمریکا به دولت ترکیه با این زبان نرم و دوستانه به دلیل منافع دراز مدت تری است که غرب در منطقه قبلا هم دنبال آن بوده است. کمک آمریکا و نیروهای ائتلاف به شکست داعش در کوبانی و شمال سوریه علیرغم مخالفت ترکیه بود. یکی از نقشه های آمریکا این است که در شمال سوریه دولتی تشکیل بشود و این دولت دوست و همکار آمریکا باشد. اما نیروی اصلی چنین نقشه ای در شمال سوریه فعلا از نظر آمریکا حزب اتحاد دمکراتیک کردستان سوریه است که به دلیل رابطه اش با پ.ک.ک هنوز قابل اعتماد غرب نیست. حمله ترکیه به پ.ک.ک و حمایت ناتو از این حمله از منظر آمریکا و غرب در عین حال قرار است تحولی در مناسبات پ.ک.ک و حزب اتحاد دمکراتیک هم ایجاد کند. زیرا آمریکا از یک طرف به حزب اتحاد دمکراتیک کمک میکند که در مقابل داعش قدرتمند عمل کند، از طرف دیگر حمله ترکیه به پ.ک.ک را حمایت میکند. در حین پیشبرد این سیاست چند جانبه بر ادامه پروسه مذاکره ترکیه و پ.ک.ک هم تاکید میکند. دولت ترکیه هم به نوعی همین بازی سیاسی را با حزب ها.د.پ در ترکیه استارت زده است. فشار ترکیه علیه حزب ها.د.پ. بخشا به این منظور است که رابطه اش با پ.ک.ک را قطع کند. با توجه به سیاستهایی که غرب و ترکیه پی گرفته اند میخواهند به حزب اتحاد دمکراتیک کردستان سوریه و حزب ها.د. پ در ترکیه نشان بدهند اگر رابطه آنها با پ.ک.ک قطع بشود میتوانند مناسبات بهتری با غرب و ترکیه داشته باشند.

**انترناسیونال: ما بطور مدام شاهد تغییر در صف بندی ها و مواضع نیروهای سیاسی درگیر در منطقه هستیم. چه پارامتر هایی در این مسئله تاثیر دارند.؟**

محمد آسنگران: همچنان که میبینید کل خاورمیانه و بخشی از کشورهای آفریقایی به میدان تاخت و تاز جریانات اسلامی تروریست تبدیل شده است. اکنون داعش بخش بزرگی از کشورهای عراق و سوریه را تحت کنترل دارد. مناطقی که اکنون در کنترل داعش است بزرگتر از مناطقی است که دولت بغداد و یا دولت سوریه و احزاب حاکم در کردستان عراق بر آن کنترل دارند. علاوه بر این داعش و جریانات اسلامی نزدیک به او اکنون بخشی از صحرای سینا، بخشی از کشور لیبی و بخشی از نیجریه و سومالی را در اختیار دارند. در مناطقی از پاکستان و افغانستان و یمن هم در حال جنگ با رقبایشان هستند. این ابعاد از نفوذ و قدرت تخریب جریانات اسلامی تروریست در تاریخ معاصر بیسابقه بوده است. ابعاد این بحران نه تنها رو به کاهش نیست بلکه هر روز بر آن افزوده میشود. دولتهای منطقه و قدرتهای جهانی هم هر کدام به نوعی در شعله ور کردن این آتش نقش دارند و اکنون سرنوشت صدها میلیون انسان در منطقه تحت تاثیر این وقایع قرار گرفته است. تعادل کل منطقه بهم ریخته و آینده قابل پیش بینی ای هم برای هیچ دولت و نیروی سیاسی در منطقه قابل تصور نیست. این بحران میتواند دهها سال ادامه داشته باشد. بر متن چنین فجایعی یارگیریها و اتحاد و افتراق دولتها و نیروهای دخیل در منطقه مرتب در حال تغییر است. هر کدام از دولتهای منطقه و قدرتهای جهانی در دل این بحران به دنبال منافع خود هستند و دوستان و دشمنان خود را بر اساس تحولات کوتاه مدت و جاری انتخاب میکنند زیرا هیچ نیرو و دولتی استراتژی کامل و شاملی در دست ندارد. با این حال همه دولتها و جریانات سیاسی منطقه در یک تصویر کلی در میان دو قطب جهانی غرب و روسیه تقسیم شده اند و بالتبع در منطقه هم صف بندی آنها بر اساس نزدیکی و دوریشان به دو قطب اسلام سیاسی شیعه و سنی به رهبری جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی قابل تشخیص است. اما در میان این دو قطب دولتها و جریاناتی در حال نوسان هستند.

اکنون بعد از توافق هسته ای آمریکا و غرب با جمهوری اسلامی و بعد از توافق آمریکا و ترکیه بر سر مسائل منطقه تغییراتی در جریان است که تا حدودی متفاوت از روند یک ماه قبل است. هر آن ممکن است تحولات دیگر و یارگیریهای دیگری در منطقه اتفاق بیفتد و جابجایی نیروهای سیاسی و نزدیکی و دوریشان از همدیگر دستخوش تحول بشود. اینها آن پارامترهایی است که تغییر سیاست دولتها و جریانات سیاسی منطقه را رقم میزند. برای مثال ابتدا بشار اسد در خطر سقوط قرار گرفت و جمهوری اسلامی در حال جنگ با پ.ک.ک بود. با یک چرخش کوتاه مدت جمهوری اسلامی و پ.ک.ک آتش بس اعلام کردند و رابطه پ.ک.ک و اسد چنان نزدیک شد که مناطق کردنشین سوریه را قدم به قدم و با برنامه تحویل نیروهای نزدیک به پ.ک.ک دادند.

در مقابل این تحول بلافاصله اردوغان برای خنثی کردن نقشه جمهوری اسلامی و اسد با پ.ک.ک وارد مذاکره شد و آتش بس اعلام شد.

اکنون با تحولاتی که اتفاق افتاده است ما شاهد از سرگیری حمله ترکیه به پ.ک.ک هستم و جمهوری اسلامی که قبلا در رقابت با ترکیه و به منظور کمک به اسد آتش بس با پ.ک.ک را پذیرفته بود، اکنون از حمله ترکیه به پ.ک.ک. نه تنها نگران نیست بلکه آنرا تحولی مثبت در سیاست ترکیه ارزیابی کرده است.

از آنطرف ترکیه که تا یک هفته قبل یار و همکار داعش بود و کلاهشان با آمریکا تو هم رفته بود اکنون با آمریکا به توافق رسیده است و حمله به داعش را آغاز کرده است. این روند و تغییر و جابجایی یارگیریها و تقابلها همچنان ادامه خواهد داشت. زیرا کل منطقه در بحران وسیع و عمیقی گرفتار شده است. تا وقتی که ثبات سیاسی در منطقه برقرار نشود این تحولات تابعی از مسائل سیاسی روز و منافع قدرتهای منطقه ای و جهانی است.

**انترناسیونال: در بیانیه کمیته کردستان حزب تشکیل جبهه ای از کمونیستها و نیروهای چپ و آزادیخواه برای مقابله با نیروهای تروریسم اسلامی، حملات ترکیه و  جریانات ناسیونالیست و مذهبی، پیشنهاد شده است. تشکیل چنین جبهه ای را تا چه حد امکان پذیر می دانید و چه مسائلی می تواند محور اصلی پلاتفرم و اهداف این جبهه باشد؟ نقش مردم و نیروهای چپ را در این میان چگونه می بینید؟**

محمد آسنگران: در میان دریایی از خون و آتش آوارگی و کشتاری که جریانات تروریست اسلامی و دولتهای درگیر در منطقه درست کرده اند مردم آزادیخواه و چپ جامعه تنها نیرویی هستند که میتوانند این روند تخریب و کشتار را متوقف کنند. این نیرو و جنبش اجتماعی از هر جنبش و حرکت سیاسی دیگری در جامعه قویتر است اما با این حال هنوز سخنگوی قابل اتکای خود را پیدا نکرده است. اگرچه جنبش آزادیخواهی و سکولار و چپ در یک بعد اجتماعی قوی و بخش مهمی از جامعه را تشکیل میدهند اما هنوز پراکنده است و به شکل یک جنبش اجتماعی ولی بدون سر و بدون سخنگو قابل مشاهده است.  این نیرو و این جنبش تا وقتی که یک پرچم قابل اعتماد و قابل اتکا پیدا نکند نمیتواند نقش موثر خود را در جدالهای سیاسی منطقه و در هر کشوری ایفا کند.

جریانات چپ و آزادیخواه و سکولار اگر نقشی دارند و میخواهند نقش تاریخی خود را ایفا کنند باید این جنبش اجتماعی را ببینند و پرچمی باشند که بتوانند اعتماد این جنبش را به خود جلب کنند. مبنای فراخوان ما این ارزیابی و دیدن و اتکا به این جنبش اجتماعی است. در قدم اول جریانات چپ و آزادیخواه ایران و عراق میتوانند با اتکا به این جنبش بر محور مطالبات و پلاتفرم قابل قبولی برای پاسخگویی به نیاز این جنبش و برای مقابله با جریانات تروریست اسلامی و خنثی کردن سیاست جریانات ناسیونالیستی و افشای سیاست دولتهای درگیر در منطقه در یک جبهه قرار بگیرند و فعالیت مشترکی را در ابعاد کشوری و جهانی آغاز کنند.

اینکه تا چه حد برافراشتن چنین پرچمی عملی است بستگی به این دارد این نیروهای متشکل موجود تا چه حد متوجه جنبشی هستند که در جریان است و نتوانسته نقش تاریخی و تعیین کننده خود را در جدالهای منطقه ایفا کند. من عمیقا معتقدم بدون شکل دادن به یک پرچم چپ و بدون شکل دادن به یک قطب سیاسی جدی متشکل از نیروهای چپ و آزادیخواه در منطقه هیچ نیروی سیاسی فعلا موجودی در کوتاه مدت نمیتواند به تنهایی اعتماد این جنبش را و ظرفیت و توان به حرکت درآوردن این جنبش اجتماعی را برای مقابله با جریانات اسلامی تروریست و دیگر نیروها و دولتهای ارتجاعی کسب کند. من فکر میکنم محورهای این حرکت و نیاز فوری این جنبش برای ایفای نقش سیاسی جدی و متحول کردن معادله سیاسی در هر کشور و در بعد منطقه ای به همت و روشن بینی جریانات چپ موجود گره خورده است. چپی که شاهد هر روزه ابعاد کشتار انسانهای بی دفاع و آوارگی میلونی مردم باشد و خطر گسترش ابعاد این جنایت را نبیند و روند تخریب جامعه را هر لحظه در صفحه تلویزیونها ببیند و تکانی نخورد و به روند تا کنونی فعالیتش اکتفا کند چیزی از سیاست و مبارزه طبقاتی نفهمیده است. در این راستا باید تلاش کرد به پرچمی و نیرویی شکل داد که پاسخی به اوضاع امروز باشد. چپی که هنوز چهارچوب فکری و سیاسی خود را به همان کاری محدود کند که تا کنون انجام داده است متوجه کم تاثیری خودش نیست و بیدار کردن چنین جریاناتی کار آسانی نخواهد بود. اما با توجه به مواضع سیاسی و احساس مسئولیت بخشی قابل توجهی از نیروهای چپ و آزادیخواه ایران و عراق من امیدوارم که این روند شکل دادن به یک چپ اجتماعی بر محورهای فوق در کوتاه مدت به نتیجه برسد. این کاری است که حزب کمونیست کارگری ایران آنرا وظیفه خودش میداند.